

الغ بیگ و گرایش های فرهنگی او

دکتر امیر تیمور رفیعی^۱

میثاق گودرزی^۲

چکیده

الغ بیگ فرزند شاهرخ تیموری و نوه امیر تیمور گورگان، یکی از چهره های برجسته و تابناک تاریخ است که در ۱۸ سالگی به فرمان روایی ماوراء النهر رسید. با فرمان روایی او دوره ای از شکوفایی فرهنگ و هنر در ماوراء النهر به مدت ۴۰ سال آغاز شد. در این دوران ماوراء النهر اقتدار سیاسی خود را بازیافت، امنیت در جامعه جاری شد و اقتصاد به شکوفایی رسید و در پرتو این عوامل و تلاش های الغ بیگ، ماوراء النهر به پایگاهی علمی و هنری در جهان اسلام مبدل شد که به واسطه آن معماری به شکوه و جلال قابل توجهی دست یافت، و هنر خطاطی، نقاشی و موسیقی به پیشرفت های چشمگیری نایل آمد، و از همه مهم تر، میدان پژوهش در عرصه های مختلف گسترده تر شد، و دانش ریاضی و نجوم عقده های خود را باز گشود.

واژگان کلیدی: الغ بیگ، ماوراء النهر، ساختار اجتماعی، ثبات سیاسی، تسامح فرهنگی،

پژوهش، زیج

۱. استادیار تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات

۲. کارشناس ارشد تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات و عضو باشگاه پژوهشگران جوان

مقدمه

ماوراءالنهر از زمان ظهور تیمور و تأسیس حکومت تیموریان تا پایان حیات سیاسی آن به بالاترین سطح تمدنی و فرهنگی خود در طی تاریخ پرفراز و نشیب دست یافت. تیمور با گرد آوردن منابع عظیم مالی و انسانی که از شهرهای ایرانی و اسلامی تصاحب کرده و آنها را در پایتختش سمرقند انباشته بود، در عمل موجد تحولات وسیع فرهنگی و اقتصادی در دهه های بعد در این سرزمین گردید.

الغ بیگ (۸۱۲-۸۵۳ ه.ق)، نوه تیمور، بیش از ۴۰ سال با قدرت و درایت در ماوراءالنهر فرمان روایی کرد. بدون تردید، وی یکی از حکم رانان فرهیخته ای است که در طی حکومت طولانی اش در ماوراءالنهر، مصدر خدمات درخشانی در زمینه فرهنگی شد. با این حال، متأسفانه، درباره این دوران درخشان فرهنگی و هنری و گرایش های فرهنگی الغ بیگ، آن طور که باید و شاید، تحقیقات چندانی صورت پذیرفته است. بجز تحقیق مستقل بارتولد در کتاب *الغ بیگ و زمان او*، که آن هم بیشتر به مسائل سیاسی، دینی و تا حدودی نیز فرهنگی، پرداخته است، اثر مستقل دیگری تدوین نگردیده است. از این رو، این دوره از تاریخ تیموریان در ماوراءالنهر از اهمیت زیادی برخوردار است. خوشبختانه، برای بررسی این دوره از تاریخ، منابع دست اول و دست دوم تاریخی به خوبی در اختیار محقق قرار دارد.

الغ بیگ با علایق شدید علمی و هنری به جد در بارور کردن منابع فرهنگی موجود در ماوراءالنهر کوشید. او با فراهم ساختن امکانات مادی و نیز آرامش سیاسی، به ارتقای فرهنگ و هنر ماوراءالنهر دست زد. در دوران فرمان روایی وی ماوراءالنهر، به عنوان کانون مهم علمی و هنری در جهان اسلام، به موقعیت ممتازی دست یافت؛ به طوری که این ولایت محل تجمع علما، فضلا، هنرمندان، خطاطان، ریاضی دانان، ستاره شناسان، معماران و سایر اشخاص اهل فن و هنر گردید. اما آیا الغ بیگ تدابیر ویژه ای به منظور رشد و تعالی فرهنگ و هنر ماوراءالنهر اندیشیده بود؟

بدون تردید مشاهیر ارجمندی که با خلق آثار بدیع خود، نه تنها فرهنگ ایرانی - اسلامی، بلکه فرهنگ و تمدن جهانی را بارور ساختند، پرورده شرایط مطلوبی بودند که حکومت الغ بیگ با اتخاذ تدابیر خردمندانه در پدید آمدن آن نقش اساسی به عهده داشت. در این مقاله، کوشش بر آن است تا با تکیه بر اسناد و منابع به جای مانده از آن دوران مهم تاریخی، نقش الغ بیگ در ساختار اجتماعی و فرهنگی ماوراءالنهر، و همچنین سیاست و گرایش فرهنگی وی مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

شرح احوال الغ بیگ

در نوزدهم جمادی الاول سال ۷۹۶ ه.ق از بطن گوهرشادآغا، همسر هفده ساله شاهرخ، پسری به دنیا آمد که نامش را محمد طرغای نهادند (شامی، ۱۳۶۳: ۱۵۰). دیری نگذشت که نام واقعی کودک در سایه سار لقب ترکی الغ بیگ، به معنای امیر بزرگ، به کلی از اذهان فراموش گشت.

زمان رشد الغ بیگ درست مصادف بود با اوج فتوحات امیر تیمور و توسعه امپراتوری تیموریان در شرق و غرب و شمال و جنوب؛ و بستر جغرافیایی که الغ بیگ را درون خود پرورش داد سمرقند بود، شهری که در آن روزها شاهد سرازیر شدن ثروت های مادی و معنوی جهان اطراف در خود بود (ابن عربشاه، ۱۳۶۹: ۳۰۷-۲۰۷؛ کلاویخو، ۱۳۶۶: ۲۷۶-۲۲۸). زمان و مکان متقارن هم به بهترین حالت ممکن فضایی مناسب برای رشد جسمی و فکری الغ بیگ فراهم ساختند، تا فرزند شاهرخ آرام آرام قد برافراشت، اما اوضاع مساعد سیاسی - اقتصادی که در سایه آن الغ بیگ پرورش یافته بود، دیری نپایید.

با مرگ تیمور در ۸۰۷ ه.ق به سرعت منازعات سیاسی - نظامی بر سر کسب قدرت و جانشینی آغازیدن گرفت، و در پی آن، ثبات و امنیت نیز از سرزمین های امپراتوری تیمور رخت بربست (ابن عربشاه، همان: ۲۴۴؛ خواندمیر، ۱۳۶۲: ۵۴۲-۵۴۰/۳؛ کاشفی، ۱۳۶۵: ۲/۳۹۱). الغ بیگ که در این زمان یازده سال بیش نداشت، ناخواسته

به همراه پدرش شاهرخ به عرصه کشاکش های جانشینی کشیده شد (شرف الدین علی یزدی، ۱۳۶۶: ۲/۴۸۹؛ حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۳/۲۵؛ بارتولد، ۱۳۳۶: ۱۰۲). سرانجام، در طی چهار سال بلوا و آشوب در امپراتوری تیموریان، شاهرخ در سال ۸۱۲ ه.ق لگام گسیخته قدرت را به دست گرفت و اداره سمرقند و ماوراءالنهر را به پسرش الغ بیگ سپرد و خود در هرات به حکومت پرداخت (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۵۲/۱۰۷؛ میرخواند، ۱۳۳۹: ۳/۵۳۹؛ روملو، ۱۳۸۴: ۱/۱۶۷؛ قزوینی، ۱۳۷۹: ۴۲۳؛ رفیعی، ۱۳۸۵: ۸۹-۷۵).

مهم ترین ویژگی ماوراءالنهر در دوران مذکور، علاوه بر اغتشاشات سیاسی - نظامی محدود، تحولات فرهنگی بود؛ به طوری که در این دوره جوشش و غلیان شگفت انگیزی در حیات علمی، ادبی و هنری به وقوع پیوست، که عناصر ایرانی و ترک مسلمان، تحت نظارت تیموریان در شکل گیری آن سهم بسزایی داشتند.

الغ بیگ در بادی امر با مشکلات چندی مواجه بود. از یک سو، او فرمان روای سرزمینی با موقعیت جغرافیایی خاص شده بود که به رغم ثروت طبیعی اش، یعنی معادن بسیار، حاصل خیزی منطقه، و نیز قرار گرفتن آن بر سر راه بازرگانی، به علت همجواری با اقوام مهاجم و جنگنده (مغولان و ازبکان)، همواره در معرض تهدید و غارت قرار داشت (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۲۶؛ حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۰۵؛ رفیعی، ۱۳۷۹: ۴۵). از سوی دیگر، ماوراءالنهر با بروز آشفتگی سیاسی - اجتماعی که به سبب جنگ و منازعات خونین داخلی بر سر مسئله جانشینی تیمور رخ داده بود، به دست الغ بیگ شانزده ساله رسید (حافظ ابرو، همان: ۳-۳۸/۱).

الغ بیگ، که خود ناظر آشفتگی و ناامنی منطقه بود، دریافت که نبود اقتدار سیاسی مانع مهمی در رشد و تعالی مظاهر فرهنگ است؛ لذا، با قدرت تمام به مقابله با قوای ناآرام داخلی و خارجی پرداخت (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۵۲/۲۶۲؛ حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۴/۸۹۳؛ میرخواند، همان: ۶/۷۰۰) و با ایجاد ثبات و امنیت سیاسی

فصلی نو در تاریخ ماوراءالنهر گشود (عبدالرزاق سمرقندی، همان: ۲۶۲، حافظ ابرو، همان: ۴/۸۹۳؛ میرخواند، همان جا). تجارت به علت امنیت راه ها و سرمایه ها رونق گذشته خود را بازیافت؛ باغات و زمین های بسیاری به سبب توجه الغ بیگ و کاهش بار مالیاتی، رو به حاصل خیزی و آبادانی نهاد؛ و چرخه اقتصاد به عنوان بن مایه همه زیر ساخت های فرهنگی در ماوراءالنهر به گردش درآمد؛ و الغ بیگ با وضع مالیات بر تجارت، به رغم دیدگاه عرفی، ثروت زیادی برای جامعه اندوخت، و از آن برای ارتقای سطح علمی، هنری و ادبی ماوراءالنهر بهره گرفت (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۸۲: ۳۶۲؛ خواندمیر، ۱۳۶۲: ۴/۲۱).

اکثر تاریخ نویسان معتقدند که الگو و کمال مطلوب الغ بیگ در ساختار فرهنگی ماوراءالنهر، نه پدرش شاهرخ، بلکه نگرش های نیای وی تیمور بود (رویمیر، ۱۳۸۰: ۱۶۰؛ بارتولد، ۱۳۳۶: ۱۴۲؛ بارتولد ۱۳۷۶: ۲۵۶؛ میرجعفری، ۱۳۸۵: ۹۲). نگرش فوق، بدون تبیین و بررسی، به تکرار در منابع متعدد منعکس گشته است، در حالی که چرایی این موضوع، که پاسخش در ساختار اجتماعی ماوراءالنهر نهفته، هنوز بی جواب مانده است. الغ بیگ نیز همچون جدش به درستی دریافته بود که سرزمین فرمانروایی او متشکل از فرهنگ های گوناگون است. لذا، وی ناگزیر بود برای استقرار نظم و ایجاد اتحاد، که در دل اشتراک های فرهنگی نهفته است، سیاستی محتاطانه تر نسبت به مواضع مشخص شاهرخ در حیطه فرهنگی اخذ کند.

بی تردید، این تدابیر در جغرافیای سیاسی - تاریخی - اجتماعی دو حوزه فرهنگی کاملاً متفاوت هرات و ماوراءالنهر ریشه داشت. لذا، تعامل الغ بیگ با هر یک از عناصر موجود در ماوراءالنهر (ترک، مغول، ایرانی)، به پیدایش نگرش های متناقضی در منابع دوره تیموریان منجر گشته است؛ چنانکه محمد دو غلات صاحب تاریخ رشیدی، الغ بیگ را به گونه ای از تبار مغولان و مروج و مدافع سنن مغولی در سرزمین ماوراءالنهر معرفی می کند (محمد دو غلات، ۱۳۸۳: ۱۰۰). پیرو او نیز برخی

از مورخان، بدون در نظر گرفتن جامعه چند فرهنگی ماوراءالنهر، برای اثبات این ادعا، به دنبال حجت، عملکردهای الغ بیگ را در این حوزه مورد بررسی و استنباط قرار می دهند؛ چنانکه برگزاری مجالس می گساری همراه با موسیقی و آواز، و انتخاب لقب گورکان از سوی الغ بیگ را، بدون در نظر گرفتن مناسبات سیاسی - اجتماعی، شاهی بر ادعای خود می دانند (بارتولد، ۱۳۷۶: ۲۵۷؛ کیانی، ۱۳۶۹: ۱۹۶)؛ غافل از اینکه نیمی از جمعیت ساکن در ماوراءالنهر را طوایف ترک و مغول تشکیل می داده است، و نادیده گرفتن این طوایف و جمعیت عملاً به منزله تجزیه قدرت بود. فراتر از این، الغ بیگ توانست با مطرح کردن خویشاوندی خود با مغولان، قدرتش را در مقابل همسایگان مهاجم مشروعیت بخشد و با درایت در منازعات و اختلافات آنان شرکت کند و با انتخاب خان های دست نشانده بر مغولستان عملاً اداره امور آن سرزمین را نیز تحت نظارت خود در آورد (محمد دوغلات، همان: ۱۰۲).

بنابراین، الغ بیگ با اتخاذ این مفاهیم، صوری در حیطه فرهنگی، حتی توانست قدرت خود را فراتر از مرزهای ماوراءالنهر بگستراند و با صلابت بر سرزمینی که دارای جمعیتی ناهمگون با علایق فرهنگی گوناگون بود، حکومت کند؛ و این امر میسر نمی گشت، مگر با تساهل فرهنگی، که الغ بیگ آن را به درستی دریافته بود و به کار بست. بنابراین، نظر آن دسته از مورخان که سعی دارند الغ بیگ را به عنوان یک شاه زاده مغولی پای بند به سنن و قوانین یا سا معرفی کنند، با واقعیت تطبیق ندارد (رفیعی، همان: ۵۷۶).

گذشته از همه ملاحظات سیاسی - فرهنگی الغ بیگ، واقعیت امر این است که وی در ماوراءالنهر نزد دانشمندان و بزرگان علم و ادب ایرانی و مسلمان تربیت شده بود و آنان بی شک در برانگیختن علایق فرهنگی الغ بیگ نقش بسزایی داشتند (ابن عربشاه، همان، ۲۹۷). چنانکه بخش اعظم منابع عهد مورد مطالعه، الغ بیگ را دوستدار زبان و ادبیات فارسی، مشوق هنر ایرانی - چینی، حافظ قرآن و شریعت و

احکام اسلامی می دانند (دولت‌شاه سمرقندی، همان: ۳۶۲؛ خواندمیر، همان: ۴/۲۱؛ کاشانی، ۱۳۷۵: ۴۳). در تبیین این موضوع به بررسی نگرش و عملکرد الغ بیگ در حوزه های مختلف فرهنگی می پردازیم.

گرایش فرهنگی الغ بیگ

۱. مذهب

مذهب رسمی در ماوراءالنهر اهل سنت حنفی بود. اما به دلیل گوناگونی جمعیت و جغرافیایی که ماوراءالنهر را از دیر باز مأمنی برای پیروان آیین های ارتدادی قرار داده بود، مملو از اعتقادات و باورهای مذهبی گوناگون گشته بود. الغ بیگ در رأس این جامعه با تدبیر و دور اندیشی، سیاستی جدا از جزم اندیشی دینی در پیش گرفت. وی با برقراری امنیت فکری از طریق تسامح دینی، به طور مؤثری به رشد فرهنگ در ماوراءالنهر یاری رساند (رفیعی، ۱۳۸۲: ۷۵۴). پی گیری جدی این سیاست برخی از مورخان را به این ظن واداشت که الغ بیگ در اداره امور جامعه به اصول و قواعد اسلام پای بند نبوده است (محمد دوغلات، همان: ۹۷؛ رویمر، همان: ۱۶۰).

در حالی که مستندات و منابع به جا مانده از آن دوره به روشنی گویای این است که الغ بیگ در این حوزه فرهنگی نیز نقشی فعال و سازنده داشته است (محمدبن عبدالجلیل و ابوطاهر سمرقندی، ۱۳۶۷: ۱۹۱؛ میرخواند، همان، ۱۱۵۸/ ۶؛ خواندمیر، همان، ۱۷۰). سندی که در این میان توجه خاصی را می طلبد، نوشته های غیاث الدین جمشید کاشانی، یکی از همراهان دائمی الغ بیگ، است. وی با دقت خاطر نشان می کند که پادشاه اسلام پناه و «ملاذ اعظام السلاطین ظل الله فی الارضین قهرمان المساء الطین آیه الله فی العالمین باسط بساط الامن و الامان ناشر العدل و الاحسان هادم مبانی الجور و الطغیان حافظ بلاد الله» (کاشانی، ۱۳۷۵: ۱۵۵). خود در بیست سالگی قرآن را به هفت قرائت از حفظ تلاوت می کرده است و از این استعداد نیز برخوردار بوده از آن به موقع نقل قول بیاورد (همان: ۴۳). چنانکه وی در

مجادله و مباحثه با درویش بازبان گویای دین مبلغان آن را مجاب به سخن خود و از زیاده خواهی های آنهانیز جلوگیری می کرد (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۹: ۱۴۰؛ نوشاهی، ۱۳۸۰: ۲۴۵).

ازسوی دیگر، الغ بیگ با برپایی مدارس علوم دینی در ماوراءالنهر به طور رسمی علوم وابسته به آن را گسترش می داد و برای اجرای قوانین شریعت در نهادهای رسمی جامعه افراد کاردان و برجسته ای به کار می گماشت. وی در تجلیل و احترام مشایخ، عرفا و علمای دین می کوشید و برای اشاعه مذهب رایج به ساختن مساجد، خانقاه ها و مدارس متعددی پرداخت و با اختصاص دادن درآمد هنگفتی به این نهادها، فعالیت های فرهنگی آنها را در جامعه ایمن ساخت (واصفی، ۱۳۴۹: ۱۶۴-۱/۳۸؛ محمد بن عبدالجلیل و ابوطاهر سمرقندی، ۱۳۶۷: ۱۹۱؛ میرخواند، همان: ۶/۱۱۵۸؛ خواندمیر، همان، ۱۷۰).

همچنین وی به منظور آشتی دادن منافع سنی و شیعه، خود به زیارت علی بن موسی بن رضا در مشهد می شتافت (خواندمیر، ۱۳۶۲: ۴/۲۸). نتیجه چنین سیاست عالمانه ای زندگی مسالمت آمیز فرقه های سنی و شیعه در کنار جمعی از طوایف ترک و مغول و قشر وسیعی از صوفیان بود.

۲. زبان و ادبیات

زبان مردم ماوراءالنهر ترکی شرقی (جغتایی) بود، اما زبان و ادب فارسی، همچون سایر مظاهر فرهنگی، در ماوراءالنهر متجلی بود (کمبریج، ۱۳۷۹: ۴۱۷). الغ بیگ نیز زبان های عربی، ترکی، مغولی و تا حدی چینی می دانست (کاشانی، همان جا)، اما بیش از همه اینها غنای ادب فارسی او را شیفته خود ساخته بود. وی با وجود همه مشغله های سیاسی و علمی اش، در زمره امرای شعر دوست و شاعر نوازی قرار دارد که خود نیز از قریحه و ذوق شاعری برخوردار بود (یارشاطر، ۱۳۳۴: ۶۴).

کاشانی می نویسد: «علم عروض و قوافی به غایت نیکو می داند، دیوان انوری به تمام به یاد دارد و قصیده ای چند از آن ظهیر فاریابی هم یاد دارند و احیانا شعر هم می فرمایند» (کاشانی، ۱۳۷۵: ۴۳). مؤلف *مجالس النفايس* این مطلع فارسی را از او نقل می کند:

هر چند ملک حسن به زیرنگین توست شوخی مکن که چشم بددرکمین توست
(نوایی، ۱۳۲۳: ۱۲۵)

از آنجا که الغ بیگ خود علاقه ای وافر به شعر و ادبیات داشت، لذا دربار او به محفل امنی برای تراوش زیباترین الفاظ سخن مبدل گشت. چنانکه کاشانی می نویسد: «در مجلس سلطنت پناهی عروضیان چالاک هستند و شاعران نیکو» (کاشانی، همان، ۴۷). شعر و ادبیات در دربار الغ بیگ به میدان نقد و بررسی کشانده می شد و الغ بیگ خود در نقد آثار ادبی صاحب نظر بود. وی اشعار را نه تنها از طریق ذوق فطری بلکه با آگاهی به علم وابسته به آن (عروض و قوافی) مطالعه می کرد. از این رو یک مرجع ادبی به زبان فارسی در باب فنون شعر، به نام *معیار الاشعار* نوشته خواجه نصیر الدین طوسی، در دربار الغ بیگ موجود بود که مورد استفاده علاقه مندان این عرصه قرار می گرفت (همان: ۴۳).

دولتشاه سمرقندی، ضمن ترجمه حال امیر خسرو دهلوی، از اختلاف سلیقه ای که میان بایستقر و الغ بیگ در مقایسه خمسۀ نظامی و خمسۀ امیر خسرو دهلوی بوده است، صحبت می کند و می گوید شاه زادگان برای اثبات نظر خود، خمستین را بیت به بیت مقابله کردند: «امیر بایستقر خواجه خسرو را بر خمسۀ شیخ نظامی تفضیل دادی و خاقان مغفور الغ بیگ گورکانی قبول نکردی و معتقد شیخ نظامی بود و مابین دو شاهزاده فاضل به کرات جهت این دعوی تعصب دست داده، بیت به بیت خمستین را با هم مقابله کردند» (دولتشاه سمرقندی، همان: ۲۶۷).

از همین حکایت می توان نتیجه گرفت که دیدگاه الغ بیگ درباره برتری خمسۀ نظامی، یکی از ارزنده ترین شاه کارهای برجسته و نظریات فلسفی استاد نامدار زبان و ادبیات فارسی نظامی گنجوی، دال بر احاطه و آگاهی وی بر ادب پارسی است، که البته این موضوع غیر قابل چشم پوشی است. در مجموع باید گفت عشق و علاقه وافر الغ بیگ به شاعران پارسی گوی، نظیر فارابی و نظامی گنجوی و انوری، همچنین کوشش وی در فراگرفتن و رواج فنون ادبیات فارسی ممکن است هر محقق را همچون بار تولد به این سخن وادارد: « که ذوق ادبی الغ بیگ به ادبیات فارسی، نظیر ذوق و علاقه مندی اروپاییان به ادبیات خودشان بود » (بارتولد، ۱۳۳۶: ۲۲۵).

۳. علم و دانش

الغ بیگ یگانه دانشمندی در تاریخ اسلام بود که به شهریاری رسید. او بر دانش ها و فن های زمان خود احاطه داشت. از این رو، در پرورش دانشمندان و فراهم آوردن وسایل پیشرفت آنان مضایقه نمی کرد و دانشمندان بزرگ زمان همه از توجه و گشاده دستی او برخوردار بودند (خواندمیر، همان: ۴/۲۰؛ دولتشاه سمرقندی، همان، ۳۶۱). البته، این حمایت ها تنها مختص به مشاهیر زمان نبود، بلکه الغ بیگ پس از آگاهی از میزان علم و دانش هر شخص، بدون در نظر گرفتن جایگاه اجتماعی اش، در مقابل وی سر تعلیم فرو می آورد و او را به مقامی در خور می گماشت.

نمونه بارز این ادعا، مولانا محمد خوافی است که در اولین دیدارش با الغ بیگ ظاهری ژولیده و سخت فقیرانه داشت؛ اما الغ بیگ پس از آگاهی از میزان دانشش، وی را گرمی داشت و در کنار قاضی زاده رومی به کار تدریس در مدرسه گماشت و در روز افتتاح مدرسه، خود به همراه نود تن از ارباب علم و فضیلت بر سر کلاس درس وی حاضر شد (واصفی، همان: ۱/۴۰). وی همچنین با تأسیس مدارس گوناگون و حضور فعال در آنها نقش مهمی در پیشرفت، گسترش و سازمان دهی علوم رایج در

آن زمان، همچون فقه، اصول، معانی، بیان، طب، تاریخ، ادبیات و غیره داشت (عبدالحی، همان: ۷-۸/۲۷۶؛ کاشانی، همان، ۴۲). اما بیش از همه اینها ریاضیات و نجوم در مرکز توجه الغ بیگ فرصت بیشتری برای بالندگی یافت. الغ بیگ در محاسبات ذهنی از توانایی شگفت انگیزی برخوردار بود. وی هنگام حضور در مدرسه، تدریس علوم ریاضی را بر سایر علوم مقدم می شمرد (کاشانی، همان، ۶۳-۶۲). بنابراین، ریاضیات در سایه علاقه و حمایت الغ بیگ به پیشرفت های چشمگیری در زمینه کسر اعشاری، محاسبه عدد پی، و جدول های مثلثات دست یافت (کمبریج، ۱۳۷۹: ۲۸۷-۲۸۳).

مفاهیم و شناخت های اولیه از نجوم در ماوراءالنهر، درخشش آسمان و گردش روشنان سپهر و پیدایش تابستان و زمستان به همراه تجلی رؤیای کودکی الغ بیگ، که پیرامون بازدید از رصد خانه مراغه شکل گرفته بود، نقطه عطفی در شروع تحول نوین فکری در عرصه علم نجوم و ستاره شناسی گشت (کاشانی، همان، ۴۱؛ صدری افشار، ۱۳۵۰: ۲۱؛ عبدالرزاق سمرقندی، همان، ۸۹۰/۲، ۲د).

شرایط مناسب علمی، اوضاع مساعد سیاسی - اقتصادی و استفاده از امکانات وسیع مالی، این فرصت را به الغ بیگ داد که به صورتی کاملاً جدی به مطالعه در باب رصد ستارگان پردازد (عبدالرزاق سمرقندی، همان: ۲۹۱). بنابراین، او مطالعات خود را در این زمینه ها متمرکز کرد و به جمع آوری و مطالعه آثار دانشمندان گذشته، همچون کتاب های بطلموس، ابوریحان بیرونی، قطب الدین شیرازی، خواجه نصیرالدین طوسی، عبدالرحمن صوفی، خیام و بوزجانی پرداخت (کاشانی، همان: ۶۳-۶۶؛ صدری افشار، همان: ۲۱). لازم به ذکر است که الغ بیگ در این راه تنها به مطالعه، بحث و جمع آوری آثار دانشمندان بسنده نکرد، بلکه همچنین متخصصین این علم را برای یاری به سمرقند دعوت کرد (مقصود غیاث الدین جمشید کاشانی و معین الدین کاشانی است، عبدالرزاق سمرقندی، همان: ۲/۲۹۱ د ۱) و طرح بزرگ ترین

دستاورد قرن را به یاری همراهان دانشمندش در شمال شرقی سمرقند با دقت بی نظیری پی ریزی کرد (ظهیرالدین محمد بابر؛ رجاوند، ۱۳۶۶: ۳۸۵؛ یاسمیناشوپروا، ۱۳۷۶). پس از احداث بنا، تحصیل و تکمیل اطلاعات و ابزارهای نجومی، فعالیت های پژوهشی و رصدی را در آن آغاز کردند تا سرانجام در سال ۸۳۹ ه.ق، کتاب **زیج جدید گورکانی** توسط الغ بیگ نوشته شد. پس از تدوین، این زیج، تا چهارصد و پنجاه سال اساس کار اختر شناسان مسلمان گشت و تقویم ها را بر اساس آن می نوشتند.

هنگامی که ترجمه لاتینی این کتاب در سال ۱۶۶۵ میلادی در لندن منتشر شد، ستاره شناسان اروپایی به ناچار جدول های ستاره شناسی خود را، که به کمک دوربین های مجهز نجومی تنظیم کرده بودند، با توجه به جدول های زیج الغ بیگ تصحیح کردند و از این کتاب جامع خاوری چیزهای تازه فرا گرفتند. این کتاب به سرعت در پاریس، فلورانس و ژنو منتشر شد و الغ بیگ شهرتی آسمانی یافت (صدری افشار، همان: ۲۲؛ ابراهیم بن سنان، ۱۳۶۵: ۲۴۹).

۴. هنرهای زیبا

در دوران فرمان روایی الغ بیگ هنر و علم توأمان شدند و در یک راستا همگام با یکدیگر به شکوفایی و بالندگی دست یافتند، به طوری که برای هریک از هنرهای رایج مدخلی علمی گشوده شد. بنابراین، اعتبار و ارزش هنر در این دوره دو چندان گردید. هنر نیز مانند سایر علوم به عرصه پژوهش کشیده شد، تا ضمن بر طرف شدن کاستی های آن، کاربردی تر و نهادینه تر به کمال مطلوب خود دست یابد. دوران فرمان روایی الغ بیگ عهد پرورش هنر نقاشی، نگارگری، تزیین، تذهیب، خوش نویسی و تمام شقوق کتاب سازی است که از قدیم الایام در بین مردم ماوراءالنهر رایج بوده است (حیبی، ۱۳۵۵: ۳۰۴). با توجه به شمار دانش پژوهان ساکن در ماوراءالنهر، که در حمایت الغ بیگ به پژوهش می پرداختند، می توان اذعان نمود که

کتاب های بی شماری در علوم مختلف استنساخ و مورد استفاده قرار می گرفته است (دولت‌شاه سمرقندی، همان، ۳۶۲-۳۶۰؛ کاشانی، همان، ۸). الغ بیگ آثار ارزشمند عالمان و نویسندگان را به بهترین خط و تذهیب کتابت می کرد و آنها را در دسترس همگان قرار می داد. نمونه آن انتشار کتاب نگارستان مولانا معینی جوینی است که در ماوراءالنهر به شهرتی عظیم دست یافت (دولت‌شاه سمرقندی، همان، ۳۷۹).

یکی دیگر از وجوه هنر کتابت نقاشی است که در این دوره با مفهومی علمی همراه با ظرافت و دقت نظر خارق العاده در جزئیات همراه بود. نقاشی این دوره طبیعت گرایانه به خدمت علم درآمد و از نظر فنی در کاربرد نمایه های دقیق به غنای شگفت انگیزی دست یافت. در واقع، الغ بیگ بر حسب نیاز علمی اش در ترسیم صور اقلیم، هنر نقاشی را به راهی افکند که در دوره های بعد به پیروی از آن سبکی جدید به وقوع پیوست که برجسته ترین مشخصه اش ایجاد مفهومی تازه از فضا است. در نقاشی این دوره فضا طوری در نظر گرفته شده که پهنه های مختلف و گوناگونی را در خود گنجانده است و تقریباً از این حیث، حجم نمایی (پرسپکتیو) است (گروبه، ۱۳۷۶: ۴۶). در موزه متروپولیتین نیویورک، نسخه ای درباره علم نجوم وجود دارد که حاوی پنجاه تصویر و صور فلکی است و متخصصان این اثر را به دوره فرمان روایی الغ بیگ در ماوراءالنهر نسبت داده اند (نقاشی عصر تیموریان، ۱۳۸۲، ۸).

همچنین، در داخل رصد خانه و روی دیوارهای آن نقش های بی نظیر و تصاویر نه فلک و هفت سیاره گردنده، با درجه، دقیقه، ثانیه و یک دهم ثانیه، و همچنین کره زمین با هفت اقلیم آن، شامل کوه ها، دریاها، صحراهایشان به زیبایی در خور توجهی ترسیم شده است (عبدالرزاق سمرقندی، همان، ۲/۲۹۱، ۱د).

۵. معماری

معماری دوران الغ بیگ از دو ویژگی بارز برخوردار است که شامل زیبایی، شکوه و جلال ظاهری است که با بهره گیری از هنر ایرانی و اسلوب چینی در آرایش و

تذهیب بنا حاصل شده است، به طوری که در قیاس با معماری دوران ماقبل خود به لحاظ دیدگاه فنی، استحکام بنا و شکوه ظاهری اش برتر و تحسین بر انگیز تر جلوه می کند (دانی، ۱۳۷۸: ۸۲؛ بارتولد، ۱۳۷۶: ۲۵۳).

دومین ویژگی و مهم ترین مشخصه معماری دوران الغ بیگ، که آن را به گونه ای از سایر بناها متمایز می کند، به کارگیری محاسبات دقیق ریاضی در احداث بناهای گوناگون است (کاشانی، همان، ۶۷-۳۹). امروزه پژوهشگران شوروی با بررسی دقیق شماری از این بناها دریافته اند که بناهای مذکور بر طبق نظام توازن و تعادل طراحی شده است. این کاربست علمی هنر، از دانش ریاضی، در عصری اتفاق افتاد که علوم محض از اعتبار والایی برخوردار بود. در همین راستا، غیاث الدین جمشید کاشانی نیز به بررسی نظریه ساخت و ساز قوس ها در کتاب مشهور خود *مفتاح الحساب* می پرداخت و در ۸۳۰ ه.ق، آن را به الغ بیگ تقدیم کرد (کمبریج، همان، ۳۳۳).

الغ بیگ برای پیشبرد فرهنگ به ایجاد بناهای عمومی از قبیل مدرسه، خانقاه، مسجد، حمام و کتابخانه پرداخت. به نظر می رسد که الغ بیگ در تأسیس این گونه بناها هدفی والاتر از ثبت نامش در جریده پادشاهان صاحب نام داشت. تیمور گرچه به منظور احداث بناهای متعدد، هنرمندان بی شماری به خدمت گرفت، ولی هدف او در این راه بیش از هر چیز کسب شهرت و نمایاندن قدرت و شوکت امپراتوری اش به عالمیان بود و در این راه از هیچ عملی روی گردان نبود؛ چنان که پس از بازگشت به سمرقند در سال ۸۰۷ ه.ق، با دیدن عمارت مسجد جامع، بر معماران آن غضب کرد، که چرا ایوان مدرسه سرای ملک خانم از ایوان مسجد جامع بلندتر است، و تلاش معماران چیره دست را در همان لحظه با تیغ شمشیر پاسخ داد. در حالی که الغ بیگ خود خشت به دست می گرفت و به دست بنا می داد (واصفی، ۱۳۴۱: ۴۱-۱/۴۰).

این موضوع بی تردید شوق و ذوق هنرمندان را، نه از روی ترس و اجبار، بلکه به سبب توجه و همراهی پادشاه دو چندان می کرد. این چنین ماوراءالنهر رو به آبادانی

نهاد و بناهای زیبا و بی همتایی، چون چینی خانه، مسجد جامع، مسجد مقطع، مسجد کوگ گومبر، مقبره قاضی رومی و گرمابه الغ بیگ، پیدایش یافت (ظهیرالدین محمد بابر، همان: ۳۰).

۶. موسیقی

موسیقی از جمله هنرهایی بود که از زمان امیر تیمور در ماوراءالنهر رواج یافت. در زمان فرمانروایی الغ بیگ، که خود دانشمندی ریاضیدان بود، این هنر به صورت علمی نهادینه شد و در سطح وسیع تری به رشد و شکوفایی دست یافت و در نهایت ابداعاتی در زمینه علمی و عملی آن ایجاد شد، و روح و جان مردم ماوراءالنهر در سایه دانش و تساهل مذهبی الغ بیگ با این هنر مانوس گشت؛ چنانکه ماوراءالنهر، به مرکزیت سمرقند، به میعاد گاهی برای حضور موسیقی دانان زن و مرد مبدل گشت (کاشفی، ۱۳۶۵: ۲/۱۲۰؛ رویمر، همان، ۱۶۰؛ بارتولد، همان، ۱۸۸).

توجه و حمایت الغ بیگ از دو رکن اساسی موسیقی، یعنی علوم محض به عنوان پایه و اساس آن، و ذوق هنری هنرمندانش، سبب گشت سمرقند به کانونی پویا به منظور حرکت در مسیر تعالی و پیشرفت هنر موسیقی در ابعاد علمی و عملی آن خودی نشان دهد. این موضوع موجب شد استاد فاضل این فن که هر روز هنرجویان متعددی را از کشمیر و دیگر مناطق تعلیم می داد (اسدی، ۱۳۸۰، ۲۹). خود برای تعلیم از هرات به سوی سمرقند رهسپار شود، تا با کمک دانشمندان و فرزندگان و جویندگان علم آن دیار به رفع ابهامات و نواقص تألیفات به جا مانده از موسیقی دانان و نویسندگان اعصار گذشته، همچون **صاحب ادوار** صفی الدین ارموی و بخشی از **درة التاج** شیرازی بپردازد، تا بدین سان عقده های ساز را بگشایند و آن را دلدیر تر عرضه کنند. به همین منظور، الغ بیگ، کاشانی را به مطالعه کتاب **صاحب ادوار** فرا خواند تا مسائل موجود در آن را، که تا آن روز کسی موفق به حل آنها نشده بود، با توانایی که در علم ریاضیات و حساب داشت، دریابد و طرحی نو در اندازد.

سرانجام، کاشانی با حل مسائل موجود در متن کتاب، به علم موسیقی کمک کرد و زبان تحسین عبدالقادر مراغه ای را به نتیجه این تلاش برانگیخت (کاشانی، همان: ۴۷-۴۶).

نتیجه گیری

گرایش های الغ بیگ در قلمرو اندیشه و آثار ذوقی و هنجارهای علمی و فرهنگی عصر مذکور نشان می دهد که وی، بر خلاف حکم رانانی که فرهنگ را به مثابه ابزاری برای اعتلای حکومت و ماندگاری نام و نشان خود می نگریسته اند، پیوندی ژرف و دیرینه با فرهنگ داشت. دوران فرمان روایی وی در عرصه امور فرهنگی و هنری واقعه کم نظیر بود. توجه وی به مردم اهل فرهنگ و بزرگ داشت و تشویق آنان به خلق آثار هنری، تداعی گر نوعی حکومت فضیلت سالار به شمار رفت. الغ بیگ در جذب مشاهیر و دانشمندان سیاستی عالمانه درپیش گرفت. وی سمرقند را آرمان شهرپژوهندگان عرصه علم و هنر قرار داد و اسباب رفاه و آرامش آنان را فراهم ساخت. وی در تعامل و معاشرت با ایشان از مرز خادم و مخدومی گذشت تا به سرمنزل آمال رسید. الغ بیگ در مجامع آموزشی حضوری فعال داشت و همچنان که از محضر اساتید بهره می گرفت، خود نیز به تعلیم نوآموختگان وادی علم و ادب پرداخت. این همزیستی مسالمت آمیز، سبب نزدیکی هرچه بیشتر دولت با فرهنگی مردان عصر گشت، به طوری که با دغدغه ها و اهداف آنان همراه شد و همه در جهت پیشرفت در یک راستا باهم گام برداشتند.

الغ بیگ، به منظور سازمان دهی اهداف بلندمدتش به احداث و آبادانی روی آورد، چنانکه با سرمایه گذاری های بسیار در ساخت مدرسه، کتابخانه، مسجد، خانقاه و رصدخانه، سعی داشت جریان های فرهنگی را در جامعه نهادینه کند و در نهایت همه کوشش های الغ بیگ با ایجاد امنیت فکری از راه تسامح و تساهل فرهنگی درسرمین

ناهمگون ماوراءالنهر به بار نشست و به ساکنان آن در عرصه های مختلف فرصت تفکر و نوآوری داد؛ به طوری که منازعات از جامعه چند نژادی و چند مذهبی ماوراءالنهر تا اندازه زیادی رخت بریست و توانست به عنوان حد واسط چین و ایران از دستاوردهای علمی و هنری آنها بهره گیرد و خود نیز در راه پیشرفت آنها بکوشد. الغ بیگ، بدون توجه به نژاد، طبقه، اعتقادات و باورهای مردم، از هنر و دانش آنان استقبال می کرد و به کمک همه عناصر موجود در ماوراءالنهر، ادبیات، هنر، موسیقی و علوم رایج را در آن سرزمین بارور ساخت و آن را چون گنجینه ای به تمدن اسلام تقدیم کرد و با آن شگفتی جهانیان را، علی الخصوص در زمینه ریاضیات و نجوم، برانگیخت.

کتابنامه

۱. ابراهیم بن سنان حنین بن اسحاق . ۱۳۶۵، زندگی نامه علمی دانشمندان اسلامی، ترجمه احمد آرام، تهران، علمی و فرهنگی.
۲. ابن عربشا. ۱۳۶۹، زندگی شگفت آور تیمور، ترجمه محمد نجاتی، تهران، علمی و فرهنگی.
۳. اسدی ، هومان، ۱۳۸۰، حیات موسیقی در دوران تیموریان (از سمرقند تا هرات)، مؤسسه فرهنگی ماهور، تهران س ۴، ش ۱۴.
۴. اصطخری . ۱۳۶۸، مسالک الممالک، به اهتمام ایرج افشار، علمی و فرهنگی.
۵. بابر، ظهیر الدین محمد. بابر نامه، چاپ سنگی کتابخانه ملی ش ۶-۱۵۷۷۰۷.
۶. بارتولد. ۱۳۳۶، الغ بیگ و زمان وی، ترجمه حسین احمدی پور، تبریز، چهره.
۷. ____ . ۱۳۷۶، تاریخ ترک های آسیای مرکزی، ترجمه غفار حسینی، تهران، توس.
۸. حافظ ابرو، ۱۳۸۰، زبده التواریخ، به کوشش سید کمال حاج سید کمال جوادی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۳ و ۴.

۹. حبیبی عبد الحی، ۱۳۸۰، هنر عهد تیموریان و متفرعات آن، بی جا، بنیاد فرهنگ ایران و ارشاد اسلامی.
۱۰. ناشناس، ۱۳۶۲، حدود العالم من المشرق الى المغرب، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، زبان و فرهنگ ایران.
۱۱. خواند میر . ۱۳۷۰، مآثر الملوك، تصحیح میر هاشم محدث، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا.
۱۲. _____، ۱۳۶۲، حبیب السیر، تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران، خیام، ج ۳ و ۴.
۱۳. دانی احمد حسن. ۱۳۷۸، میراث تیمور، ترجمه محمد مهدی توسلی، پاکستان.
۱۴. رفیعی امیر تیمور . ۱۳۸۵، (شاهرخ تیموری و حل مسئله جانشینی امیر تیمور گورکان) مجموعه مقالاتی در پاسداشت مقام علمی، فرهنگی، تاریخی، دکتر عبدالحسین نوایی، گردآوری الهام ملک زاده، نشر نو گل، تهران.
۱۵. _____، ۱۳۷۹، اوضاع اجتماعی خراسان بزرگ در عهد جانشینان تیمور، پایان نامه دکتری.
۱۶. _____، ۱۳۸۲، الغ بیگ و گرایش های مذهبی او، ایران شناسی (آمریکا)، پاییز ۱۳۸۲، ش ۳، س ۱۵.
۱۷. روملو حسن بیگ. ۱۳۸۴، احسن التواریخ، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، اساطیر.
۱۸. رویمر هانس روبرت . ۱۳۸۰، ایران در راه عصر جدید، ترجمه آذر آهنچی، تهران، دانشگاه تهران.
۱۹. رویمر و دیگران. ۱۳۷۹، تاریخ ایران کمبریج، دوره تیموریان، ترجمه یعقوب آژند، تهران، جامی.
۲۰. زمچی اسفزاری معین الدین محمد. ۱۳۳۹، روضه الجنات، تصحیح محمد کاظم امام، تهران، دانشگاه تهران، ج ۲.
۲۱. سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق. ۱۳۸۳، مطلع سعیدین و مجمع بحرین، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ج ۱ و ۲، دفتر ۱ و ۲.
۲۲. سمرقندی دولت شاه. ۱۳۸۲، تذکره الشعراء، به اهتمام ادوارد براون، تهران، اساطیر.

۲۳. سمرقندی، محمد بن عبدالجلیل و ابو طاهر. ۱۳۶۷، قندیه و سمریه، به کوشش ایرج افشار، تهران، مؤسسه فرهنگی جهانگردی.
۲۴. شامی، نظام الدین. ۱۳۶۳، ظفر نامه، به کوشش پناهی سمنانی، با مداد.
۲۵. شوپروا، یاسمینا. ۱۳۶۷، الغ بیگ پادشاه ستاره شناس، پیام یونسکو، فروردین، ش ۳۰۷.
۲۶. صدری افشار، غلامحسین. ۱۳۵۰، سرگذشت سازمانها و نهاد های علمی و آموزشی در ایران، تهران، وزارت علوم.
۲۷. عبدالحی ابن عماد. بی تا، شذرات الذهب، قاهره، ج ۸ و ۷.
۲۸. قزوینی، محمد یوسف واله اصفهانی. ۱۳۷۹، خلد برین، به کوشش میر هاشم محدث، تهران، میراث مکتوب.
۲۹. کاشانی غیاث الدین جمشید. ۱۳۷۵، از سمرقند به کاشان به کوشش محمد باقری، تهران، علمی و فرهنگی.
۳۰. _____ . بی تا، مفتاح الحساب، نسخه دست نوشته فارسی، کتابخانه مجلس، تهران ش ۱۵۵۳۷
۳۱. کاشفی واعظ. ۱۳۶۵، رشحات عین الحیات، با مقدمه و تصحیح علی اصغر معینان، تهران، نوریانی، ج ۲.
۳۲. کلاویخو. ۱۳۶۶، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، علمی و فرهنگی.
۳۳. کیانی، محسن. ۱۳۶۹، تاریخ خانقاه در ایران، تهران، طهوری.
۳۴. گروبه ارنست. ۱۳۷۷، هنر ایلخانی و تیموری، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی.
۳۵. محمد دو غلات. ۱۳۸۳، تاریخ رشیدی، تصحیح عباسقلی غفاری فرد، تهران، میراث مکتوب.
۳۶. میر جعفری حسین. ۱۳۸۵، تاریخ تیموریان و ترکمانان، تهران، سمت.
۳۷. میر خواند. ۱۳۳۹، روضه الصفا، تهران، خیام، ج ۶ و ۵.
۳۸. ناشناس، ۱۳۸۲، نقاشی عصر تیموریان، ابرار، یکشنبه ۳۰ آذر.
۳۹. نوایی میر نظام الدین علیشیر. ۱۳۲۳، مجالس النفایس، به اهتمام علی اصغر حکمت، بی جا، بانک ملی ایران.

۴۰. نوشاهی عارف. ۱۳۸۰، احوال و سخنان خواجه عبيدالله احرار، تهران، نشر دانشگاهی .
۴۱. واصفی زين الدين محمود . ۱۳۴۹، بدايع الوقايع ، تصحيح الكساندر بلدروف ، بنياد فرهنگ ايران ، ج ۱.
۴۲. ورجاوند پرويز. ۱۳۶۶، كاوش رصد خانه مراغه، تهران، امير كبير .
۴۳. يار شاطر، احسان. ۱۳۳۴، شعر پارسی در عهد شاهرخ، تهران، دانشگاه تهران .
۴۴. يزدي، شرف الدين على. ۱۳۳۶، ظفر نامه، تصحيح محمد عباسی، تهران، امير كبير، ج ۲.

